



جامعه انسانی و تأثیر اطلاعات بر آن

نویسندگان: خلیلی، محسن؛ کفاشان، مجتبی
اطلاع رسانی و کتابداری :: ره آورد نور :: پاییز 1386 - شماره 20
از 6 تا 15

آدرس ثابت : <http://www.noormags.com/view/fa/articlepage/547872>

دانلود شده توسط :

تاریخ دانلود : 1393/02/17 10:43:16

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.com

دگرگونی‌های اطلاعاتی - اجتماعی بی‌نهایت سریع، مهم‌ترین واقعیت زندگی امروزمین را تشکیل می‌دهد. دنیای امروز مکانی کاملاً متفاوت با دنیای بیست و پنج سال پیش است و دنیای نیم قرن بعدی نیز به طور قطع بسیار متفاوت از دنیای کنونی خواهد بود. با این حال، همین دنیای بسیار متفاوت محل زیست جامعه انسانی است. مفهوم این سخن آن است که مهم‌ترین چیزهایی که انسان امروز باید به فراگرفتن آن بپردازد، دقیقاً چیزهایی است که به او یاری می‌دهد تا دگرگونی‌های آینده را پیش‌بینی کند و خود را برای رویارویی با آن‌ها آماده سازد. این نیاز جامعه انسانی از دو طریق برآورده می‌شود: نخست با ارائه چارچوبی برای درک و تشخیص نیروهای سبب‌ساز شالوده دگرگونی‌های اجتماعی و دوم، درک چگونگی ظهور، توسعه یا نابودی جوامع و دولت‌ها که در طی قرون متمادی ساخته شده است. در این مقاله سعی بر آن شده است تا با نگرشی تطبیقی - تاریخی، چشم‌اندازی در حوزه جوامع انسانی و نقش اطلاعات به عنوان عاملی در تحولات اجتماعی ارائه گردد.

کلیدواژه: جامعه انسانی، اطلاعات، دگرگونی اجتماعی، اقتصاد، دولت.

جامعه انسانی و تأثیر اطلاعات بر آن

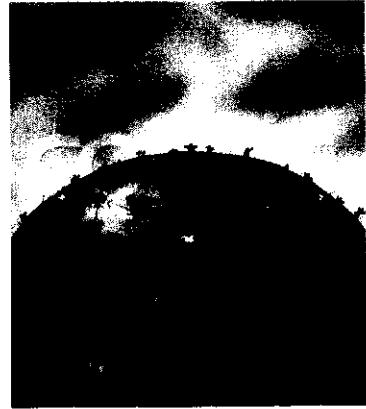


دکتر محسن خلیلی / استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد
 مجتبی کفاشان / دانشجوی کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه آزاد اسلامی

که در واقع همان کاری را که ماشین‌ها در عصر انقلاب صنعتی به جای قدرت بازو انجام می‌دادند، برای قدرت فکری و ذهنی انجام می‌دهند، صنعت‌گرایی متحول شد. دانیل بل بعدها این وضعیت جدید را «جامعه اطلاعاتی» نامید. (لین، ۱۳۸۱)

جامعه مبتنی بر اطلاعات را می‌توان به عنوان جامعه‌ای که بخش غالب اجتماع در آن به جای کارهای فیزیکی به کارهای فکری مشغول‌اند، تعریف نمود. در چنین جامعه‌ای بیشترین توجه به فعالیت‌های اطلاعاتی از قبیل: فراهم‌آوری، پردازش، تولید، ثبت، انتقال، اشاعه و مدیریت اطلاعات مبذول می‌گردد و

بافت اجتماعی و پویه‌شناسی تحول فناوری اطلاعات دانیل بل، نخستین کسی بود که به طور جدی به شکل‌گیری نوع جدیدی از جامعه اشاره کرد. اگرچه قبل از او عده دیگری از این اصطلاح استفاده کرده بودند، اما وی انگاره پسا صنعت‌گرایی را رواج داد. کارگران کارخانه‌های عصر صنعت‌گرایی فراموش می‌شوند و نخبگان جدید حرفه‌ای و فنی بخش خدمات، برتر و ممتاز می‌گردند. این مرحله جدید جامعه صنعتی که از دهه ۱۹۶۰ پیش‌بینی می‌شد، بیش از هر چیز بر اساس دانش نظری استوار بود. با استفاده از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی جدید



یکی از ویژگی‌های بارز تأثیر فناوری اطلاعات در بافت اجتماعی، شبکه‌سازی است. انعطاف‌پذیری گسترده اطلاعاتی ناشی از فناوری‌ها، امکان ایجاد کانال‌های جدید ارتباطی در سطحی جهان‌شمول را به وجود آورده است. در این شکل نوین اجتماعی، نه تنها رویکردهای ارتباطی میان فردی، بلکه سازمان‌ها و نهادها نیز قابل اصلاح یا تغییر می‌باشند. نمونه‌ای بارز از این تغییر سازمانی را می‌توان در ایجاد کتابخانه‌های مجازی، چک‌های الکترونیکی، ایجاد و توسعه کارت‌های اعتباری و یا شهرهای الکترونیکی مشاهده نمود

به تحولات و نتایج ناشی از آن نیز از اهمیت فراوانی برخوردار می‌باشد که به اجمال مورد بررسی قرار می‌گیرد.

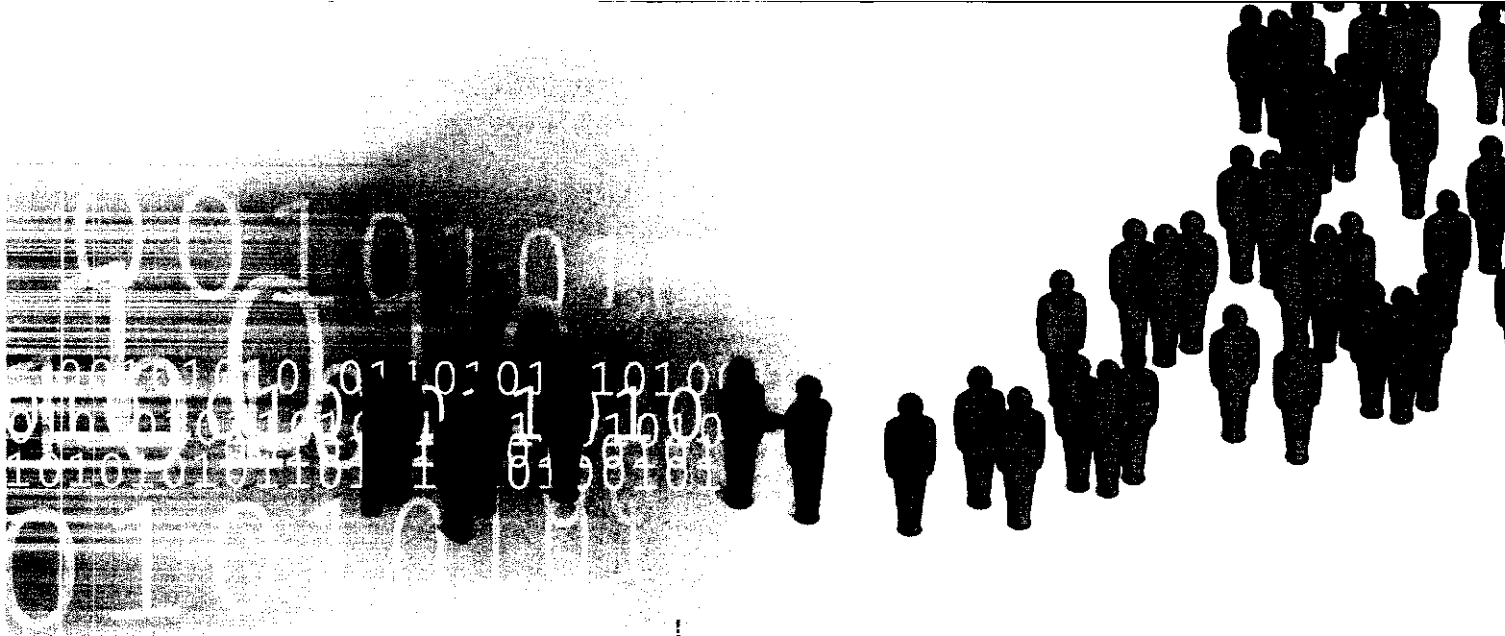
قشربندی جامعه انسانی متکی بر اطلاعات

در نگاهی تاریخی می‌توان به آسانی نابرابری‌های موجود در جوامع انسانی را دریافت. حتی در ساده‌ترین فرهنگ‌ها که اختلاف در ثروت و دارایی عملاً موجود نیست، نابرابری میان افراد، مرد و زن یا پیر و جوان وجود دارد جامعه‌شناسان برای توصیف نابرابری‌ها از وجود «قشربندی‌های اجتماعی» سخن می‌گویند. از این‌رو، جوامع را می‌توان متشکل از قشرهایی به صورت سلسله‌مراتبی در نظر گرفت که قشرهای ممتاز در بالا و قشرهای پایین‌تر، در زیر قرار گرفته‌اند. از لحاظ تاریخی جوامع را می‌توان به چهار نظام اساسی قشربندی نمود: بردگی، کاستی، رسته‌ای و طبقة‌ای. گاهی نیز این نظام‌ها همراه یکدیگر یافت می‌شوند. (گیدنز، ۱۳۷۳). انقلاب فناوری اطلاعات، ایزاری مؤثر در اجرای فرآیند بنیادین تجدید ساختار نظام‌های اجتماعی از دهه ۱۹۸۰ به بعد بوده است و پس از این دهه، به نظر می‌رسد قشربندی جامعه انسانی به صورت گسترده و هدفمند در دو جهت بنیادین در حال تغییر شکل می‌باشد که عبارت است از: جوامع ثروتمند اطلاعاتی و جوامع فقیر اطلاعاتی. اغلب در بررسی قشربندی‌های تاریخی جامعه انسانی با حذف جایگاه اطلاعات در آن، به‌وضوح جایگاه فرد در جوامع مشخص بوده و میزان قدرت و اختیار او نیز تعیین گردیده است. اما در چارچوب قشربندی متکی بر اطلاعات، جامعه انسانی و نقش فرد در جوامع به گونه‌ای کاملاً متفاوت از گذشته، تغییر شکل یافته است.

بیشترین هزینه‌ها صرف فرایندهای اطلاعاتی می‌شود (Cawkell, ۱۹۸۷).

همزمان با پیدایش شکل نوین اجتماع، تحولات فناوری اطلاعات در دهه ۱۹۷۰ و بیشتر در آمریکا اتفاق افتاد و پیامدهایی نیز به همراه داشت. بحران‌های اقتصادی دهه ۱۹۷۰ و بحران نفت که معمولاً آمریکا با آن دست و پنجه نرم می‌نمود، موجب شد تا انگیزه‌ای وافرتر نسبت به استفاده و تکمیل فناوری صورت پذیرد. خصیصه قابل دسترسی بودن فناوری‌های جدید، شالوده‌ای بنیادین برای روند تجدید ساختار اجتماعی-اقتصادی در دهه ۸۰ بود و بعدها جوامع شبکه‌ای را به‌وجود آورد (کاستلز، ۱۳۸۰).

یکی از ویژگی‌های بارز تأثیر فناوری اطلاعات در بافت اجتماعی، شبکه‌سازی است. انعطاف‌پذیری گسترده اطلاعاتی ناشی از فناوری‌ها، امکان ایجاد کانال‌های جدید ارتباطی در سطحی جهان‌شمول را به وجود آورده است. در این شکل نوین اجتماعی، نه تنها رویکردهای ارتباطی میان فردی، بلکه سازمان‌ها و نهادها نیز قابل اصلاح یا تغییر می‌باشند. نمونه‌ای بارز از این تغییر سازمانی را می‌توان در ایجاد کتابخانه‌های مجازی، چک‌های الکترونیکی، ایجاد و توسعه کارت‌های اعتباری و یا شهرهای الکترونیکی مشاهده نمود. این در حالی است که در گذشته تغییر در ساختار روابط فردی یا سازمانی نیازمند گونه‌ای از مخاطره و ریسک‌پذیری و یا حتی خطر انهدام سازمان‌ها نیز بود؛ اما امروزه نه تنها می‌توان همراه با تغییرات فناوری، تغییرات اجتماعی را رقم زد، بلکه می‌توان بدون امکان انهدام موجودیت سازمانی یا اجتماعی، موجودیتی جدید را خلق کرد. از آنجایی که فناوری جدید اطلاعاتی در تعاملی تنگاتنگ با جامعه انسانی است، توجه



چه باشد، در دست توانایی‌های جامعه می‌گردد و مطابق الزامات اجتماعی تغییر می‌یابد. جامعه به قدری نیرومند است که می‌تواند از امکانات یک اورگانیزم ضعیف، بیشترین بهره‌برداری را ببرد و شخصیت توانایی بسازد. (آگ برن، ۱۳۸۰)

تأثیر اطلاعات بر روندهای اقتصادی جامعه انسانی

مورخان اقتصادی نشان داده‌اند که اطلاعات و فناوری از طریق افزایش بهره‌وری، نقشی بنیادین در رشد اقتصاد و به‌ویژه در عصر صنعتی ایفا نموده است؛ اما مطالعه تاریخ اقتصادی جامعه انسانی نشان می‌دهد که در طی قرون عوامل مختلف دیگری در روندهای اقتصادی تأثیرگذار بوده است؛ برای نمونه، افکار اقتصادی افلاطون بر پایه «اخلاق» بنا نهاده شده بود. او که پستی‌های زمان خود را در جمع‌آوری ثروت به چشم دیده بود، عقیده داشت که «پول و فضیلت به مانند دو کفه ترازو هستند که محال است یک کفه آن بالا رود؛ بدون آن که طرف دیگر نزول نکند».

می‌توان گفت تا قرن دهم میلادی اقتصاد از دریچه اخلاق مورد بررسی قرار می‌گرفت. کوشش کلیسا، بی‌توجه کردن مردم به مادیات و دلخوش ساختن آن‌ها به صبر و قناعت بود. اما از قرن ۱۲م، کم‌کم جنبش‌های محلی موجب به‌وجود آمدن چند کارگاه صنعتی گردید و از قرن ۱۳م به جهت تسلط اروپا بر دریای مدیترانه و توسعه روابط تجاری سودمند با خاورمیانه یک دوره پیشرفت‌های اقتصادی به وجود آمد و پول به عنوان وسیله پرداخت رواج یافت. از لحاظ عقاید اقتصادی، قرون وسطی یک دوره هزار ساله فقر افکار و تاریکی اندیشه بود. سیستم مبادله به صورت مبادله مستقیم کالا با کالا بود و علاقه‌مندی به مال از طرف روحانیون تقبیح شده و اقتصاد و فعالیت‌های اقتصادی تحت الشعاع اخلاق، سنت‌ها و مذهب قرار گرفته بود. اختراع ماشین چاپ، کشف آمریکا و دسترسی به هندوستان از طریق

جایگاه فرد در جامعه متکی بر اطلاعات

فناوری‌های نوین اطلاعاتی، دورترین نقاط عالم را در شبکه‌های جهانی به یکدیگر پیوند می‌دهند. ارتباطات رایانه‌ای، مجموعه گسترده‌ای از جوامع مجازی را به وجود آورده است. با این همه، ویژگی بارز اجتماعی و سیاسی دهه ۱۹۹۰، سامان دادن کنش و سیاست اجتماعی پیرامون هویت‌های اصلی است که دارای پیشینه‌های تاریخی هستند. به نظر می‌رسد نخستین گام‌های تاریخی جوامع اطلاعاتی، اهمیت «هویت» را به عنوان اصل سازمان‌دهنده به وجه بارز این جوامع بدل ساخته است. منظور از هویت، فرآیندی است که یک کنشگر اجتماعی به وسیله آن خود را شناخته و بدون اشاره به سایر ساختارهای اجتماعی، جایگاه خود را در جامعه یا جهان معنا می‌بخشد. (کاستلز، ۱۳۸۰)

شاید بتوان از دیدگاهی امروزی فرد را در دسته‌هایی از قبیل علمی و غیر علمی، قرار داد. در این تقسیم‌بندی که به‌طور جامعه متکی بر اطلاعات است، نیروی عضلانی اساساً مطرح نیست، به این معنا که اگر فردی با مهارت اندک استعفا دهد، به سرعت می‌توان جانشینی برایش یافت؛ در حالی که با بالاتر رفتن سطح مهارت‌های تخصصی، یافتن شخصی مناسب که مهارت‌های مورد نظر را داشته باشد، دشوارتر و گران‌تر است. در نگرشی تاریخی بر این موضوع، می‌توان نتیجه گرفت که خط‌مشی‌های قدیمی به‌جای گردش دانایی و اطلاعات، بر گردش نیروی انسانی و سرمایه متمرکز بوده است؛ حال آن‌که در جهان معاصر و فراصنعتی «گردش دانایی و دانایی محوری» جایگاه فرد را در اجتماع معنا می‌بخشد. در این دسته‌بندی، طیف کار فکری از اهمیت روزافزونی برخوردار می‌باشد.

انسان از لحاظ ویژگی‌های اورگانیک در همه اعصار و اجتماعات تاریخی یکسان بوده است؛ ولی از لحاظ خصایص اجتماعی، صور متفاوتی به خود گرفته است. اورگانیزم انسانی هر

آفریقا، امکان توسعه فعالیت‌های اقتصادی و علاقه‌مندی به مال و ثروت را فراهم‌تر ساخت و در نهایت، رنسانس و اصلاحات فرهنگی - مذهبی، روند تفکر جامعه اروپایی را دگرگون کرد. فعالیت و تفکر اقتصادی بدون توجه به عوامل مذهبی و اخلاقی مورد بررسی قرار گرفت و با کشف بازارهای جدید، دسترسی به ثروت‌های سرشار برای اروپا ممکن گردید. سیل طلا و نقره به اروپا، چگونگی تفکر جامعه را تغییر داد و ماهیت تفکر اقتصادی که تا قرن ۱۵م تحت الشعاع اخلاق و مذهب بود، از آن به بعد تغییر نمود و مکاتب جدید اقتصادی ظهور کرد. اما تا ظهور انقلاب صنعتی هنوز رویکردهای اقتصادی بر پایه‌ای مستقیم استوار بود. (قدیری اصل، ۱۳۴۸)

بی‌سر و صداترین علت انقلاب صنعتی را باید در تراکم تدریجی اطلاعات طی عصر کشاورزی جستجو کرد. در واقع، با وجود کاستی‌های گسترده در فن‌آوری‌های فنی، اختراعات و اکتشافات متوقف نشده بود. شواهد گویای پیشرفت‌های فنی، همه جا در کشاورزی، فلزکاری، استخراج کان‌ها، حمل و نقل، ساختمان و دیگر زمینه‌ها به چشم می‌خورد. در نتیجه همین پیشرفت‌ها، ذخیره اطلاعات و تجربیات فنی در قرن هیجدهم بسی پر بارتر از قرن سیزدهم و در قرن سیزدهم بسیار مترکم‌تر از قرن هشتم بود. این ذخیره عظیم اطلاعات و تجربیات، نیروی نهفته‌ای بود که می‌توانست به مجرد تغییر وضع و مساعدتر شدن شرایط اجتماعی، سیلی از نوآوری‌های فنی به راه بیندازد. (نولان، ۱۳۸۰)

انقلاب اول صنعتی حرکت از جامعه کشاورزی به سوی کار در کارخانه‌ها بود و دومین انقلاب صنعتی تغییر مشاغل اجتماعی از کار در کارخانه‌ها به سوی ارائه خدمات بود. سر آغاز حرکت به سوی ارائه خدمات از ایالات متحده و بسیاری از کشورهای ثروتمند بود و همزمان با بیکاری بخش عظیمی از منابع انسانی در کارخانه‌ها صورت گرفت. مشاغل بخش خدمات به سرعت جای مشاغل کارخانه‌ای را گرفت. در سال ۱۹۶۰، در حدود ۳۵ درصد از کارگران در بخش تولید کالا و ۶۵ درصد در بخش ارائه خدمات مشغول به کار شدند. در سال ۲۰۰۴ تنها ۶/۱ مشاغل ایالات متحده در صنایع تولید کالا مشغول بودند و این در حالی است که ۶/۵ جمعیت شاغل، در بخش ارائه خدمات فعالیت می‌کردند. این روبه، جهان شمول و مداوم است. در فاصله سال‌های ۱۹۶۷ تا ۲۰۰۳ و متعاقب توسعه و تشریک مساعی اقتصادی در جهان، مشاغل بخش خدمات ۱۹ درصد در آمریکا، ۲۱ درصد در ژاپن و

تقریباً ۲۵ درصد در فرانسه، ایتالیا و انگلستان رشد یافته است. برای نمونه در آسیا، هندوستان در مدت زمان کوتاهی در مرکز توجه جهانی در حوزه فناوری‌های اطلاعاتی قرار گرفت و رشد صنعتی و فناورانه آن از ۱/۷۳۳ بیلیون دلار در سال‌های ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۵م به ۱۳/۵ بیلیون دلار در سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۲م افزایش یافت. به این ترتیب، رشد اقتصادی هند از ۰/۵۹ به ۲/۸۷ درصد در سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۲م افزایش یافته است. درآمد حاصل از سخت‌افزار، دستگاه‌های جانبی و شبکه‌های اطلاعاتی ۲/۸۹۳ میلیون دلار و منافع حاصل از نرم‌افزارهای اطلاعاتی و خدمات اطلاعاتی قابل صدور به ۷/۶۷۸ میلیون دلار در سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۲م رسید. فناوری‌های اطلاعاتی بخش خدماتی را قادر به رشد از ۵۵۴ میلیون دلار در سال‌های ۱۹۹۹-۲۰۰۰م به ۸۹۷ میلیون دلار در سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۰۱م نمود. (NASSCOM، ۲۰۰۲)

اکنون در آستانه انقلاب سوم صنعتی یا همان عصر اطلاعات هستیم. جریان سریع و آسان اطلاعات در سطح جهان به میزان بسیاری سطح خدمات تجاری - اقتصادی را گسترش داده و بیش از پیش پیش نموده است. این انقلاب اخیر، چالش‌های فراوانی را در پی دارد و همانند دو انقلاب قبلی، انقلاب صنعتی سوم پیامدهای فراوانی در آمریکا و سایر کشورهای پیشرفته در سطح کار، زندگی و تربیت فرزندانشان داشته است. (blinder، ۲۰۰۶)

در عصر جامعه‌های شبکه‌ای، تمامی نظام‌های اقتصادی بر یک «بنیان دانایی» استوارند. همه مؤسسات تجاری به این منبع بر ساخته اجتماع که از پیش وجود داشته است، وابسته‌اند. اقتصاددانان و مدیران بازرگانی وقتی «نهادها» مورد نیاز تولید را محاسبه می‌کنند، معمولاً «بنیان دانایی» را در کنار سرمایه و نیروی کار و زمین نادیده نمی‌انگارند. آنچه پیدایش یک اقتصاد فوق‌نمادین را تبیین می‌کند، ترویج و تبلیغ رایانه و یا تدابیر صرفاً مالی نیست؛ بلکه خیزش عظیم امروزی در بنیان دانایی جامعه است. دانایی نوین به همه چیز سرعت می‌بخشد و ما را به سمت اقتصاددانی و زمان واقعی پیش می‌راند و جانشینی است برای زمان. از آن‌جا که دانایی نیاز به مواد خام و نیروی کار، زمان، مکان، سرمایه و سایر نهادها را کاهش می‌دهد، جانشین نهایی، یعنی منبع اصلی یک اقتصاد پیشرفته خواهد بود. با تحقق این تحول، ارزش دانایی نیز به شدت افزایش می‌یابد. (تافلر، الوین؛ تافلر، هاییدی، ۱۳۷۶)

به هر حال مهم‌ترین چیزی که می‌توانیم در مورد عصر جدید

اطلاعات بگویم این است که این دوران، عصر گذار و در حقیقت در حال تغییر است. گذار، خود ویژگی‌هایی دارد که آن را از عصر ثبات متمایز می‌کند. مهم‌ترین ویژگی گذار معاصر، شتاب تاریخ است و این شتاب در همه حوزه‌ها مطرح هست. برای روشن شدن شتاب تاریخ به تمثیلی اشاره می‌شود که آن را روشن می‌کند:

یکی از متفکران برجسته، کولدین، معتقد است که اگر ما کل تاریخ بشر را به ۸۰۰ نسل ۶۵ ساله تقسیم کنیم، این گذشته تاریخی را شکل می‌دهد و ۶۵۰ نسل از ۸۰۰ نسل غارنشین بوده‌اند و این ۶۵۰ نسل در طول تاریخ شاهد هیچ گونه تغییری در زندگی خود نبوده‌اند. در حقیقت از حدود ۷۰ نسل پیش بوده است که خط و کتابت اختراع شده بود و اختراع خط و کتابت، آغاز ثبت و مبادله تجربه‌ها است و ثبت و مبادله تجربه‌ها خود یک جریان تحولی را به راه می‌اندازد. (خوارزمی، بی تا)

اطلاعات و گسترش پدیده جامعه جهانی

جهانی شدن، پدیده تازه‌ای نیست و منشأ آن به زمان‌های گذشته بازمی‌گردد. پیش از قرن هفدهم و هیجدهم، جهانی شدن با ویژگی‌های امروز خود در آمیخت. تامپسون می‌نویسد: جهانی شدن زمانی ظهور می‌یابد که: الف - فعالیت‌ها در بستری جهانی پدید آیند؛ ب - فعالیت‌ها در سطح جهانی سازماندهی، طراحی و هماهنگ شوند؛ پ - فعالیت‌ها مستلزم درجه‌ای از رابطه و وابستگی متقابل باشند؛ یه طوری که در بخش‌های مختلف جهان، فعالیت‌های محلی بتوانند در پی هم شکل گیرند. همان گونه که گیدنز توصیف می‌کند، جهانی شدن آرایش دوباره زمان و مکانی است که فعالیت‌ها از راه دور آن را تسهیل کرده است. (اسلوین، ۱۳۸۰)

امروزه این فناوری و اطلاعات است که قلمرو شکل‌گیری امور انسانی را عمیقاً تغییر داده، به مردم اجازه می‌دهد در زمانی کوتاه چیزهای بیشتر و دارای پیامدهای گسترده‌تر از آنچه را که پیش‌تر تصور می‌شد، تجربه کنند. فناوری جوامع محلی، ملی و بین‌المللی را بسیار بیشتر از گذشته به یکدیگر وابسته می‌کند. جوامع فرای مرزهای محلی و فرهنگ‌ها، به عنوان قسمتی از یک اجتماع جهانی به سوی یک فرهنگ و ملیت سوق داده می‌شوند که خود گامی برای ایجاد یک هویت جهانی است.

بدین ترتیب، وقتی جهانی شدن به عنوان ظهور فوق قلمروگرایی تاریخی تلقی شود، پدیده‌ای عمده‌تاً جدید در تاریخ معاصر است. فقط پس از دهه ۱۹۶۰ جهان‌گرایی در زندگی

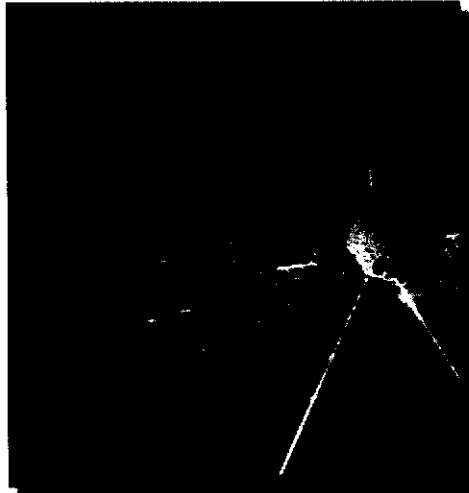
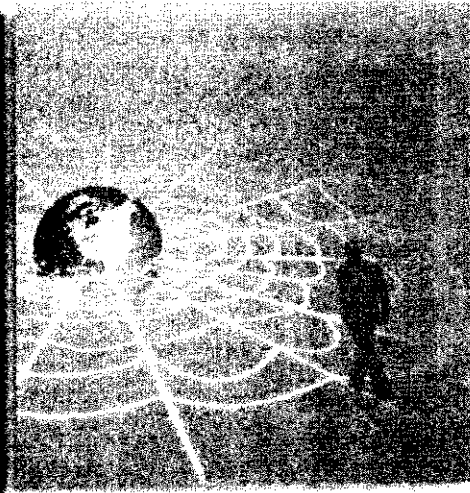
بخش‌های بزرگی از انسان‌ها نقش محوری، جامع و مداوم پیدا کرده است. امروزه صدها میلیون نفر از مردم دنیا همه روزه چندین بار به‌طور فوری با سایر کسانی که قبلاً بسیار دورتر از آن‌ها بوده‌اند، تماس نوشتاری و دیداری - شنیداری برقرار می‌کنند. در مجموع، آهنگ جهانی شدن با گذشت زمان شتاب فزاینده‌ای پیدا می‌کند؛ اما این بدان معنا نیست که این پیشرفت جنبه خطی و برگشت ناپذیر دارد. (شولت، ۱۳۸۲)

اطلاعات و روابط متقابل اجتماعی

در جامعه انسانی، انواع مناسبات متقابل اجتماعی از گذشته وجود داشته است. افزون بر این، سازمان‌های گوناگون هر یک از جامعه‌های انسانی نیز الزاماً با یکدیگر مناسبات متقابلی داشته و از این رو، نسبت به یکدیگر متعادل و سازگارند؛ اما عوامل تأثیرگذار بر نوع روابط اجتماعی، در طی اعصار متفاوت و گسترده بوده‌اند و سیر عوامل تأثیرگذار بر روابط اجتماعی همواره بر یک شیوه نبوده و از علل مختلفی تأثیر گرفته است. در این بخش، سعی بر آن است که فقط نقش نوآوری‌ها و فناوری‌های اطلاعاتی و تأثیر آن در تغییر روابط متقابل اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد.

رابطه اجتماعی، کلی‌ترین و ساده‌ترین شکل یا هستی اجتماعی است و از بنیاد عمیقی برخوردار می‌باشد؛ چون تا حدودی مبتنی بر شرایط اولیه، طبیعی و بالفعل پیوندها، وابستگی‌های متقابل و دلبستگی‌های میان انسان‌ها است و چون تا حدودی متکی بر بنیادی‌ترین، کلی‌ترین و ضروری‌ترین نیازهای انسان است، مبنای رابطه بر «آگاهی فرد» تأثیر می‌گذارد. از لحاظ تاریخی، الگوی نخستین رابطه اجتماعی، معاوضه یا مبادله و توسعه یافته‌ترین شکل مبادله، یعنی فروش و خرید اشیاء و خدمات بود؛ اشیاء و خدماتی که قابلیت معاوضه با اشیاء و خدمات دیگر را دارند. هر کنشی را که ماهیت عقلانی دارد و در نهایت توسط خرد هدایت می‌شود، باید در زمره این نوع قرار داد؛ زیرا تفکر و سنجش برای آن ضروری است و اساس آن را تشکیل می‌دهد.

اگر جوامع را از لحاظ نوع روابط به جوامع سنتی و مدرن تفکیک نماییم، نقش اطلاعات و انقلاب‌های فکری کاملاً محسوس‌تر خواهد شد. ایده‌های ترقی خواهانه در قرن هجدهم وضع شدند و در انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه و انقلاب ۱۷۷۶ آمریکا خود را نشان دادند. با وجود این، انقلاب صنعتی باعث تحولات پیچیده‌تر و چشمگیرتری در حوزه روابط اجتماعی گردید، جوامع صنعتی شده، پیشرفت‌های مادی سریعی را طی کردند، ظرفیت تولیدشان



به سرعت افزونی یافت، بخش‌های جدیدی از جمعیت غنی و توانگر شدند، سرمایه افزایش یافت و نوآوری‌های علمی و فنی به شکل زنجیره‌ای آغاز شد و مللی که صنعتی شدند، از ظرفیت خاصی برای سلطه و حتی استعمار مللی برخوردار شدند که کمتر صنعتی بودند و ملل اروپایی امپراطوری‌های استعماری را بنیاد نهادند و گونه جدیدی از روابط اجتماعی - سیاسی را رقم زدند.

قدر مسلم این که قبل از انقلاب صنعتی، جوامع سنتی از ثبات برخوردار بودند و در حد امرار معاش به زندگی اشتغال داشتند و محور آن خانواده بود؛ در حالی که جامعه مدرن به سرعت تغییر می‌کند، به این معنا ثبات ندارد، به دنبال تولید صنعتی است، محور آن دولت و اقتصاد می‌باشد و اساساً جامعه‌ای عقلانی - دنیوی است. (واترز، ۱۳۸۱)

گی‌روشه (۱۳۶۸) جوامع را بر اساس نوع فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی به اعصار چندگانه‌ای تقسیم بندی می‌نماید که عبارت‌اند از:

- عصر سنگ ابزاری؛ - عصر انسان ابزاری؛ - عصر پیش تکنیکی؛ - عصر پارینه تکنیکی؛ - عصر نوتکنیکی. در این جا به بررسی اجمالی عصر نوتکنیکی می‌پردازیم. عصر نوتکنیکی، عصری است که از ابتدای قرن بیستم در آن وارد شده‌ایم. یکی از ویژگی‌های بارز جوامع نوتکنیکی نقش اطلاعات و اهمیت بارز آن در اجتماع و روابط جامعه است. در قرن حاضر، پیدایش شبکه‌های اطلاعاتی جوامع را به سوی مجازی شدن، ارتباطات راه دور، خدمات الکترونیکی سریع، دسترسی آنلاین، شبکه اینترنت و تسهیلات بدون هزینه رایانه‌ای سوق داده است. در گذشته، اشاعه اطلاعات محدود بود و چنانچه دانش و اطلاعات در اختیار افراد معدودی باشد، دامنه بهره‌گیری از آن نیز محدود می‌شود. بهره‌گیری اطلاعات زمانی مفید است که گسترش پیدا

کند. به همین منظور، اشتراک زمینه‌های توسعه دانش‌مداری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است تا بتوان از آن دانش برای ایجاد تحولات لازم در برنامه‌ها و فعالیت‌های اجتماعی بهره‌مند شد. از این رو است که در عصر نوتکنیکی اشتراک دانش به عنوان یکی از ابزارهای مهم تعامل اجتماعی محسوب شده و مبنای روابط متقابل اجتماعی قرار گرفته است.

تغییر محور توجه از سوی اطلاعات به سوی ارتباطات، مؤید این است که قسمت اعظم اطلاعات مفید، در شرایط اجتماعی جریان دارد. در واقع، دلیل پذیرش ابداعات و اختراعات، از تلفن گرفته تا اینترنت، کاربرد آن‌ها برای رفع نیازهای اجتماعی است. ارتباط بین فناوری‌های عصر اطلاعات و مفاهیم اجتماعی، از برخی لحاظ مانند ارتباط درخت جنگل استوایی و درخت انجیر پیچک است؛ اگر شرایط مساعد باشد، انجیر بر روی تنه درخت جنگل استوایی رشد می‌کند و این رشد به حدی می‌رسد که در نهایت جای درخت استوایی را می‌گیرد و حتی آن را حذف می‌کند. تلفن تا دهه ۱۹۳۰، نقش یک ابزار تجاری را ایفا می‌کرد؛ اما در حال حاضر، از این وسیله به عنوان یک ابزار ارتباط جمعی استفاده می‌شود. مردم متوجه شدند که می‌توانند از تلفن در صورت شناخت طرف مخاطب برای انجام هر معامله استفاده کنند. در ملاقات حضوری، آهنگ صدا، حالت رفتار و حرکات چشم، اطلاعات زیاد و وسیعی را انتقال می‌دهد که به آسانی روی شبکه (وب) قابل تکثیر نیست. وقتی افراد دور هم جمع می‌شوند، کانال‌های ارتباطی گوناگونی باز می‌شود که بر امور ماوراء الطبیعه اشراف پیدا می‌کند. زمانی که افراد دور هم جمع می‌شوند، ارتباط غیر آگاهانه که ناخودآگاه در گروه‌ها ایجاد می‌شود، در شکل‌گیری عقاید جدید و برجسته یا ایجاد اتفاق نظر غیر منتظره نقش دارند. اما در هر حال، نمی‌توان نقش فناوری‌های اطلاعاتی را در

تسهیل ارتباطات انکار کرد. بسیاری از افراد در واقع صرفاً به اطلاعات ساده‌ای نظیر قیمت یک کالا یا یک نقشه نیاز دارند؛ اما برخی دیگر پست الکترونیکی را سودمند می‌یابند؛ زیرا نیاز به گسترش، تشریفات و تعارفات را کم می‌کند. به طور قطع، بسیاری از مشتاقان ترجیح می‌دهند که در شبکه گمنام بمانند تا امکان تبادلات غنی اطلاعاتی را با دوستان و همسایگان داشته باشند. (ولدان، ۱۳۸۰)

تأثیر انقلاب اطلاعات بر دولت‌ها و سیاستگذاران و ظهور دولت الکترونیک

کاربرد مفاهیم جامعه و دولت به صورت هم‌معنا غالباً موجب ابهام می‌گردد؛ زیرا تمایز میان مفاهیم دولت و جامعه دارای اهمیت بسزایی در سنت لیبرال بوده است. با پیدایش جامعه‌شناسی به عنوان رشته‌ای نو از طریق آثار نویسندگانی چون مارکس، دورکهایم و مک‌آیور، دولت هر چه بیشتر به عنوان جزئی از جامعه تلقی شد. بدین سان، مطالعات جامعه‌شناختی جامعه را به عنوان عرصه‌ای مستقل و شبکه فراگیری از روابط و ساخت‌های درونی مورد بررسی قرار دادند. در نتیجه، دولت به واسطه جامعه توضیح داده شد و موجودیتی مجزا و مستقل به شمار نمی‌آمد.

در اندیشه سیاسی یونان، مفهوم جامعه وجود نداشت. از قرار معلوم، ارسطو دولت‌شهر را منتج از خانواده می‌دانست؛ اما وی قائل به حوزه‌های فعالیت جداگانه‌ای نبود. دولت‌شهر اجتماعی، اخلاقی، نظامی و مبتنی بر همبستگی خویشاوندی تلقی می‌شد که در خصلت اجتماعی بودن انسان ریشه داشت. (وینسنت، ۱۳۷۱). پس از انقلاب صنعتی و تحولات ناشی از رنسانس، ظهور دولت مدرن نشانی ظهور گفتمانی جدید بود که درک سنتی از قانون، اجتماع و سیاست را از نو قالب‌بندی می‌نمود. در طول سده‌های هفده و هجده میلادی، دولت‌های مطلقه و قانونی به شکل مستمر وارد فعالیت‌های گذار به دموکراسی شدند که علت اصلی آن، مسئولیت ناشی از تعهدات نظامی بود. مسأله مهم این است که درگیری فزاینده دولت‌ها در شبکه‌های منطقه‌ای و جهانی، به‌ویژه در نیمه دوم سده بیستم میلادی، حدود و گستره اقتدار آن‌ها را تغییر داد. رشد دولت - ملت، سازمان‌ها، تجمعات بین‌الملل و فراملی، افزایش پیوندهای متقابل جهان و عدم امکان ادای وظایف دولت بدون توسل به همکاری‌های بین‌المللی، باعث رشد منظم امور جهانی و

شکل‌گیری نظم جهانی گردید. (توحید فام، ۱۳۸۱)
 انقلاب اطلاعات نیز همانند سایر پدیده‌های معاصر، نقش و عملکرد دولت‌ها و سیاستگذاران آن‌ها را به چهار طریق عمده تغییر داده است: نخست این که حکومت‌ها به اطلاعات بیشتری دسترسی دارند و در واقع، حکومت‌ها اطلاعات بسیاری در اختیار دارند. فلج ناشی از فزونی اطلاعات، خطری واقعی است و حکومت‌ها و سیاستگذاران باید بین اطلاعات که اهمیت دارد و آنچه که چنین نیست، تمایز قائل شوند. دوم، شبکه‌های جهانی به این معنا است که فرآیند تصمیم‌گیری می‌تواند متمرکز یا غیر متمرکز باشد. حکومت‌ها معمولاً دارای فرآیند تصمیم‌گیری متمرکز هستند که سبب کاهش اهمیت سفرا و سفارتخانه‌ها می‌شود. سفارتخانه‌ها اطلاعات را گردآوری و به پایتخت‌های کشور متبوع خود ارسال می‌کنند و در عین حال، بیشتر مشغول ایفای وظایف نمایندگی خود هستند.

سوم، شبکه‌های جهانی، انحصار حکومت‌ها بر اطلاعات را از بین می‌برند. شرکت‌ها، روزنامه‌نگاران، سازمان‌های غیر دولتی در بیشتر مواقع از دولت‌ها اطلاعات بیشتر و به هنگام‌تری دارند. سیاستگذاران همانند دیگران برای کسب اطلاعات و تحلیل‌ها به شبکه بی‌بی‌سی و سی‌ان‌ان اتکا می‌کنند. چهارم، شبکه‌های جهانی سبب ایجاد شفافیت برای همه می‌شوند و بنابراین، سبب می‌شوند که مسأله مقابله با موضوعات جهانی مانند گرم شدن هوای زمین برجسته شده و مورد تأکید قرار گیرد و به این وسیله کشورها نتوانند به صورت یک‌جانبه درباره مشکلاتی که جهانی هستند، تصمیم‌گیری کنند. (بیلیس، ۱۳۸۳)

ظهور و پیدایش شیوه‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطی و جامعه اطلاعاتی، ساختار دولت و شکل آن را نیز تغییر داده است. دولت الکترونیک، دولتی است که اطلاعات و خدمات دولتی را از طریق اینترنت یا سایر ساز و کارها و روش‌های دیجیتالی به مردم ارائه کند. این ساختار جدید، قابلیت آن را دارد که بخش دولتی را تغییر دهد و پیوند میان دولت و شهروندان را از نو پایه‌ریزی نماید. چنین دولتی موقعیتی را فراهم می‌آورد تا ارائه خدمات و اطلاعات به شهروندان بهبود یابد و شهروندان نیز قادر می‌شوند خدمات و اطلاعات مورد نیاز را در هر زمان و بنا بر استانداردهای روز کسب کنند. در چنین دولتی، لایه‌های زائد مدیریت دولتی قابل حذف می‌شود و امکان دسترسی آسان همگان به خدمات و اطلاعات فراهم می‌آید. دولت الکترونیک، این توان را دارد که فرایندهای اجرایی سازمان‌ها را تسهیل کند و هزینه‌ها را از طریق‌های

یکپارچه‌سازی و حذف سامانه‌های اضافی کاهش دهد. کارآمد ساختن عملیات دولتی جهت تضمین پاسخگویی سریع به نیازهای شهروندان نیز از طریق دولت الکترونیک امکان پذیر می‌گردد. دولت الکترونیک، بر خلاف رویکردی که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه و به ویژه خاورمیانه مشاهده می‌شود، شامل کامپیوتر دادن به مقامات و کارمندان دولتی، اتوماتیک کردن روزه‌های علمی قسدمی یا صرفاً ارائه اطلاعات نهادها و وزارتخانه‌ها روی وبسایت، یا ایجاد وبسایت‌های وزارتخانه‌ای نیست؛ بلکه دولت الکترونیک، عبارت است از بهره‌گرفتن از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی برای متحول کردن دولت و فرایند حکومتگری از طریق قابل دسترس‌تر، کارآمدتر و پاسخگوتر نمودن آن. بر این مبنا، دولت الکترونیک به معنای بهره‌گیری از قدرت اطلاعات و فناوری‌های اطلاعاتی برای ایجاد ساخت جدیدی از دولت است که با جامعه اطلاعاتی و شبکه‌ای همخوان است. از این رو، دولت الکترونیک در برگیرنده توسعه و به کارگیری زیرساخت‌های اطلاعاتی و همچنین تدوین و اجرای سیاست‌ها، قوانین و مقررات لازم برای تسهیل عملکرد جامعه اطلاعاتی یا دیجیتالی است

جامعه انسانی و دموکراسی اطلاعاتی

مانوئل کاستلز معتقد است که انقلاب ارتباطات و ظهور شبکه‌ها، سبب‌ساز «ساختار شکنی دولت ملی» و بازسازی دموکراسی از طریق بازآفرینی دولت محلی و شکوفایی آن از طریق ابزارهای الکترونیک، تقویت مشارکت سیاسی و پیوند افقی میان شهروندان شده و از طریق تسهیل، انتشار و اصلاح اطلاعات و امکانات برای تشکیل منظومه‌های تعاملی و مباحثه‌های، فرصت‌های فراوان فراهم آورده است. (کاستلز، ۱۳۸۲). اینترنت در حد نهایی خود، اجتماعی الکترونیک است که از شبکه وسیعی از شهروندان آزاد و برابر در سطح جهان،

تشکیل شده است؛ به گونه‌ای که این شهروندان قادرند در باره همه جنبه‌های زندگی بحث کنند؛ بی‌آن که نسبت به کنترل‌ها و نظارت‌های دولتی و حکومتی هراسی داشته باشند. بلاگ‌نویسی، اتاق‌های گپ‌زنی، اعلام آرا یا یک حسرتک موشواره، همه پرس‌های رایانه‌ای، تله پارلمان‌های مردمی، هیأت‌های منصفه مجازی شهروندان، گروه‌های مباحثه الکترونیک، باجه‌های اطلاعات عمومی و امضای الکترونیک (محسنی، ۱۳۸۳)، به ابزار بسیار مهم و بزرگ تساوی‌بخش و ضد عدم توازن میان شهروندان و اشراف قدرت‌مدار، تبدیل شده‌اند تا جایی که از اصطلاحاتی چون: جمهوری الکترونیک، شکل‌دهی دوباره دموکراسی و اجتماع مجازی گفتگوهای هم‌زمان (انصاری، ۱۳۸۴) و نیز بازتولید تساوی گرایانه و ارزان اطلاعات (مک‌چسنی، ۱۳۷۹) گفتگو می‌شود.

دولت در هر کشوری با دموکراسی پیشرفته باید قادر باشد تا اطلاعات را در اختیار اجتماع قرار دهد. در واقع، آزادی دستیابی به اطلاعات و آزادی بیان، دو مؤلفه اساسی در تعریف دموکراسی محسوب می‌شوند. مشخصاً فقدان این دو خصوصیت در حکومت‌های دیکتاتوری و خودکامه، محسوس و چشمگیر است. در چنین وضعیتی، حکومت نظارت کاملی را بر تمامی محصولات، خدمات و استفاده از اطلاعات اعمال می‌نماید. در هر حال، آزادی دستیابی به اطلاعات به تنهایی کافی نیست؛ بلکه یک دموکراسی مطلوب اجتماعی نیازمند اشاعه دسترسی به اطلاعات معتبر و قابل اطمینان است. در این جا دو سؤال مطرح می‌گردد:

۱. چگونه می‌توان اطلاعات قابل اطمینان و معتبر را به دست آورد؟
 ۲. چگونه جامعه توانایی تشخیص و دریافت این اطلاعات را کسب کند؟
- شاید بهتر باشد تا سؤال اول را این گونه مطرح کنیم: چگونه

اطلاعات با تأثیر گسترده خویش بر تمامی حوزه‌های اجتماعی، نقش بارز و برجسته خویش را بر همگان نمایان ساخته و عرصه‌های مختلف علمی را از خود متأثر کرده است. بدیهی است تا تأثیرات آتی آن مد نظر قرار گرفته و تحولات ناشی از آن پیش‌بینی شود و تأثیر تحول مفهوم اطلاعات در سایر مفاهیم اساسی مانند: آزادی، عدالت، امنیت و دموکراسی مورد سنجش قرار گیرد، توجه بیشتر به حوزه‌های اجتماعی تحت تأثیر اطلاعات، رویارویی با این خیزش عظیم و فراگیر را سهل‌الوصول تر می‌نماید

می‌توان دسترسی به اطلاعات غیر قابل اعتماد را متوقف نمود؟ متأسفانه، جواب این سؤال منفی است. بیشتر کشورها عمداً اطلاعات غلط یا تحریف شده‌ای در اختیار مردم قرار می‌دهند. در حکومت‌های خودکامه، رسانه‌ها راه‌هایی را برای تحریف اطلاعات پیدا می‌کنند و برداشت غلطی از اطلاعات را به اجتماع عرضه می‌نمایند. تصور رسانه‌هایی آزاد و قدرتمند بدون حذف تحریف اطلاعات، غیر ممکن است (line, ۲۰۰۳) وظایف رسانه یعنی:

۱. نظارت بر محیط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و گزارش دهی؛
۲. تریبونی برای جلب حمایت روشنگرانه از سیاستمداران؛
۳. گفتگو میان دیدگاه‌های گوناگون و صاحبان قدرت و عموم مردم؛
۴. ساز و کارهایی برای وادار کردن مسئولان به پاسخگویی درباره چگونگی اعمال قدرت خود؛
۵. تشویق شهروندان به یادگیری انتخاب و مشارکت؛
۶. احترام به مخاطبان؛
۷. ارائه اطلاعات صریح و شفاف.

این وظایف، از یک سو، رسواسازی الکترونیک را دامن گستر کرده و از دیگر سو، سبب‌ساز رشد و نمو گفتگوهای هم‌زمان شده است. اعتبارنامه دموکراتیک فناوری‌های جدید، در این قابلیت‌ها استوار است که یک شخص با رایانه کوچک، دانش پایه‌ای از نرم‌افزار مربوط و یک مودم خط تلفن می‌تواند پیام‌ها، اطلاعات، تصویرها و صداها را به هر پایانه بین‌المللی ارسال و دریافت کند. (هیرشکوب، ۱۳۷۹)

بنابراین، در پس پیچیدگی «سازمان اجتماعی جامعه تکنولوژیک»، (روش، ۱۳۸۲) جامعه‌ای مجازی از تجمع‌های اجتماعی که روی شبکه ظاهر می‌شوند، پدیدار گشته که حامل تشکیل شبکه‌هایی از روابط شخصی و اجتماعی در سایبرسپیس توسط افراد گوناگون است (صدوقی، ۱۳۸۰). این روند، حاصل «جهانی شدن» مفهومی و کرداری است که هم زوال بخش محدودیت‌های جغرافیایی بر ترتیبات اجتماعی و سیاسی است و هم آگاهی دهنده به مردمان از رفع این محدودیت‌ها است (فالکس، ۱۳۸۱). بنابراین، به تدریج نوع و کیفیت ویژه و تازه‌ای از مفهوم دولت پدید می‌آید که در کشاکش ریشه‌دار موجود در نظریه دموکراسی، گرایش به یک بدیل خاص دارد. یکی از ارزنده‌ترین تجربیات در حوزه دموکراسی دیجیتال، در فنلاند با

راه‌اندازی شبکه اطلاعاتی شهرداری kuorevesi تحقیق یافته است. شهردار این شهر نقش و مفهوم ارتباطات در فرایند تصمیم‌گیری شهرداری را مورد مطالعه قرار داد. افزون بر این، او اقدام به توسعه یک شبکه دموکراسی دیجیتال در شهرداری نمود. تصمیم به ایجاد یک شبکه اطلاعاتی آزاد تشکیل شده از ۳۰۰۰ نفر از شهروندان، به جای ساختمان یک شهرداری پر زرق و برق، قابل ملاحظه و استثنایی است. (Keskinen, ۲۰۰۱)

دموکراسی مبتنی بر ابزارهای الکترونیک و دیجیتال، آرام آرام این توان و فرصت را می‌یابد که از حالت صرف «روش و تکنیک»، به خود شکوفایی، خودسامانی و خودانگیزگی انسان به عنوان «فرد در اجتماع»، تبدیل شود. بنابراین، در وضعیتی که انسان به تنهایی می‌تواند با تکیه بر اطلاعاتی روزافزون و قابل دسترس، ویژگی‌های کارآمدی و شفافیت را از ساختار فرمان‌روایانه مطالبه کند، معلوم است که ساختار جدیدی از ویژگی‌های نوین و به هم بسته ساختار دولت در حال شکل‌یابی و پدیداری است. دولت در این حالت، نه منحصرأ خود فرمان و نه منحصرأ سرزمینی است و دارای ویژگی‌هایی چون: غیر نظامی، حاکمیت و قانون متداخل مشترک، شهروندی مشترک، چند فرهنگی، غیر متمرکز، غیر بسوروکراتیک، غیر یکپارچه با سیاستگذاری مشترک، کنترل مالی و مالیاتی مشترک میان شهروندان فرمان‌بر و شهروندان فرمان‌روا خواهد بود (گیبیزوریر، ۱۳۸۱).

نتیجه‌گیری

با در نظر داشتن این اهداف، اطلاعات با تأثیر گسترده خود بر تمامی حوزه‌های اجتماعی، نقش بارز و برجسته خویش را بر همگان نمایان ساخته و عرصه‌های مختلف علمی را از خود متأثر کرده است. بدیهی است تا تأثیرات آتی آن مد نظر قرار گرفته و تحولات ناشی از آن پیش‌بینی شود و تأثیر تحول مفهوم اطلاعات در سایر مفاهیم اساسی مانند: آزادی، عدالت، امنیت و دموکراسی مورد سنجش قرار گیرد، توجه بیشتر به حوزه‌های اجتماعی تحت تأثیر اطلاعات، رویارویی با این خیزش عظیم فراگیر را سهل‌الوصول‌تر می‌نماید. ■

منابع و مأخذ

الف - فارسی:

۱. اسلونی، جیمز (۱۳۸۰)، اینترنت و جامعه؛ ترجمه عباس گیلوری و علی رادباوه، تهران: کتابدار.
۲. اگ برن، ویلیام (۱۳۸۰)، زمینه جامعه‌شناسی؛ اقتباس ا.ح. آریان پور، تهران: نشر گستره.
۳. انصاری، منصور (۱۳۸۴) «چالش‌ها و فرصت‌های فراروی گذار به دموکراسی»؛ حسین بشیریه (گردآورنده و مترجم) گذار به دموکراسی، تهران: نگاه معاصر.
۴. بیلیس، جان (۱۳۸۳)، جهانی شدن سیاست، روابط بین الملل در عصر نوین؛ ترجمه ابوالقاسم راه چمنی [و دیگران]، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
۵. تافلر، اویلین (۱۳۷۶)، به سوی تمدن جدید، سیاست در موج سوم؛ ترجمه محمدرضا جعفری، تهران: سیمرغ.
۶. توحید فام، محمد (۱۳۸۱)، دولت و دموکراسی در عصر جهانی شدن، سیری در اندیشه‌های سیاسی معاصر جهان غرب؛ تهران: روزنه.
۷. خوارزمی، شهیندخت (بی‌تا)، نشریه فولاد، ش ۳۳، ص ۵۴.
۸. ریشه، گی (۱۳۶۸)، تغییرات اجتماعی؛ ترجمه منصور وثوقی، تهران: نشر نی.
۹. ریشه، گی (۱۳۸۲)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی عمومی؛ سازمان اجتماعی؛ ترجمه هما زنجانی‌زاده، تهران: سمت.
۱۰. پایگاه اینترنتی شرکت مخابرات ایران:
<http://www.irantelecom.ir>
۱۱. شولت، جان آرت (۱۳۸۲)، نگاهی موشکافانه بر پدیده جهانی شدن؛ ترجمه مسعود کرباسیان، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۲. صدوقی، مراد علی (۱۳۸۰)، فناوری اطلاعاتی و حاکمیت ملی؛ تهران: وزارت امور خارجه.
۱۳. فالکس، کیث (۱۳۸۱)، شهروندی؛ ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: کویر.
۱۴. قدیری اصل، باقر (۱۳۴۸)، سیر اندیشه اقتصادی؛ تهران: دانشگاه تهران.
۱۵. کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰)، عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ؛ ترجمه احد علیقلیان، افشین خاکباز و حسن چاوشیان، ویراستار علی پایا، تهران: طرح نو.

۱۶. گیبینز، جان؛ ریمر، بو (۱۳۸۱)، سیاست پست مدرنیته، درآمدی بر فرهنگ و سیاست معاصر؛ ترجمه منصور انصاری، تهران: گام نو.
۱۷. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳)، جامعه‌شناسی؛ ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
۱۸. لاین، دیوید (۱۳۸۱)، پسا مدرنیته؛ ترجمه محمد رضا تاجیک، تهران: بقیه.
۱۹. محسنی، منوچهر (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی جامعه اطلاعاتی، تهران: دیدار.
۲۰. مک چسپی، رابرت (۱۳۷۹)، «مبارزه جهانی برای ارتباط دموکراتیک»؛ ترجمه محمد نبوی، [گردآورنده و ویراستار] جامعه انفورماتیک و سرمایه‌داری؛ واقعیت و اسطوره، تهران: آگاه.
۲۱. نولان، پاتریک (۱۳۸۰)، جامعه‌های انسانی، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کلان؛ تهران: نشر نی.
۲۲. واترز، مالکوم (۱۳۸۱)، مدرنیته؛ تألیف هربرت اسپنرو و دیگران، ترجمه منصور انصاری، تهران: نقش جهان.
۲۳. ولمان، رقیه (۱۳۸۰)، خبرنگارانه انفورماتیک، ش ۷۸، ص ۳۱.
۲۴. ویسننت، اندرو (۱۳۷۱)، نظریه‌های دولت؛ ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی.
۲۵. هیر شکوپ، کن (۱۳۷۹)، «دموکراسی و فناوری‌های جدید»؛ ترجمه رضا مریدی، در کتاب: خسرو پارسا [گردآورنده و ویراستار] جامعه انفورماتیک و سرمایه‌داری؛ واقعیت و اسطوره، تهران: آگاه.

ب - انگلیسی:

- Blinder, Alan S.(2006), Offshoring: The Next Industrial Revolution
ForeignAffairs,00157120,Mar,Vol.85,Issue2
Cawkell, A.E. (1987), Evolution of an Information Society, ASLIB, London
NASSCOM(2002), National Association of Software and Services Companies, The IT in India: Strategic Review, NASSCOM, New Delhi, line,Maurice B)2003(, democracy and information : transmitters and receivers
Library management, Vol 24 number 8/9
keskinen, auli)2001(Future democracy in the information society. Futures 3